

۱۴۷۰۶۸۲

# کلیات حقوق جزا

دکتر عباس منصور آبادی  
دانشیار دانشگاه تهران



سرشناسه : منصورآبادی، عباس، ۱۳۴۰-  
 عنوان و نام‌پدیدآور : کلیات حقوق جزا / عباس منصورآبادی.  
 مشخصات نشر : تهران: میزان، ۱۳۹۵  
 مشخصات ظاهری : ۲۲۴ ص.  
 شابک : 978-964-511-835-6  
 وضعیت فهرست‌نویسی : فیا  
 یادداشت : کتابنامه: ص ۲۰۵-۲۲۴  
 موضوع : حقوق جزا -- ایران Criminal law -- Iran  
 رده‌بندی کنگره : ۱۳۹۵ ک ۸ م / ۳۸۰۰ KMH  
 رده‌بندی دیویی : ۳۴۵/۵۵  
 شماره کتابشناسی ملی : ۴۵۵۲۷۴۸

هرگونه تکثیر از این کتاب، کپی، فایل الکترونیکی و... از این اثر بدون اخذ مجوز  
 ناشر، غیرقانونی و پیگرد قانونی دارد.  
 لطفاً در صورت مشاهده، مراتب را به شماره تلفن‌های ذیل اطلاع دهید.

۱۴۰۳۶

نشر میزان  
 کلیات حقوق جزا  
 دکتر عباس منصورآبادی  
 چاپ اول: زمستان ۱۳۹۵  
 قیمت: ۱۶۰۰۰ تومان  
 شمار: ۱۰۰۰ نسخه  
 شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۱۱-۸۳۵-۶

دفتر مرکزی: خ شهید بهشتی، بعد از چهارراه سهروردی، خ کاوسی‌فر، کوچه نکبسا، پلاک ۳۲، تلفن ۸۸۵۴۹۱۳۱  
 فروشگاه مرکزی: خ انقلاب، روبروی درب اصلی دانشگاه تهران، ابتدای خ فخرآزی، پلاک ۸۳، تلفن ۶۶۴۶۷۷۷۰  
 واحد پخش و فروش: خیابان سمیه، بین مفتح و فرصت، پلاک ۱۰۴، تلفن ۸۸۳۳۹۵۲۹-۳۱  
 پست الکترونیکی: mizannasher@yahoo.com وب سایت: www.mizan-law.ir

## پیشگفتار

بی آنکه بخواهیم سرفصل درس‌های دوره کارشناسی رشته حقوق مصوب وزارت علوم، تحقیقات و فناوری را نقد و بررسی کنیم، اشاره به این نکته لازم است که این وزارت خانه پس از گذشت چندین سال وارد عمل شد و سرفصل درس‌های یاد شده را با تغییراتی تصویب کرد. روشن است که دانشگاه‌ها دیر یا زود ناگزیرند این مصوبه را اجرا نمایند. نکته از سامدهای این کار تهیه کتاب و منبع درسی بر اساس سرفصل‌های جدید است، که هم تکلیف و هم فرصتی تازه برای استادان دانشگاه‌ها به‌شمار می‌آید. در این راستا، با نگاه به سرفصل درس‌های حقوق کیفری می‌بینیم حقوق کیفری عمومی به یک درس تک واحدی «کلیات حقوق جزا» و سه درس: «حقوق جزای عمومی ۱»، ۲ و ۳ بخش شده است. سرفصل کلیات حقوق جزا از این قرار است:

### محتوا و موضوع حقوق جزایی

آشنایی با مفاهیم جزایی، جرم، مجازات، اقدامات تأمینی و تربیتی، بزهکاری، بزه‌دیدگی، مسئولیت جزایی

قواعد ناظر به اختیارات و وظایف دولت در مبارزه با بزهکاری و تحولات آن (جرم انگاری، کیفرگذاری/کیفر انگاری، تعقیب و مجازات بزهکاران)

### منابع حقوق جزا در حقوق ایران

منابع الزامی (قانون اساسی، قانون عادی، مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام و آراء وحدت رویه (رویه قضائی به معنای خاص)

### منابع معتبر اسلامی و فتاوی فقهی

منابع ارشادی (رویه قضائی در معنای عام، نظریات علمی حقوق و فقه، عرف و عادت)

جایگاه حقوق جزایی و ارتباط آن با رشته‌های حقوقی دیگر و سایر علوم

جایگاه و اهمیت

ارتباط آن با رشته‌های حقوقی دیگر و سایر علوم

پدیده مجرمانه و واکنش اجتماعی علیه آن

پدیده مجرمانه

واکنش اجتماعی

انواع واکنش اجتماعی (مجازات: سالب حیات، سالب آزادی، محدود کننده آزادی،

سالب حقوق، مالی، جایگزین‌های حبس و اقدامات تأمینی)

تحولات ناظر به واکنش‌ها (مکتب کلاسیک، مکتب تحقیقی، مکتب دفاع اجتماعی و

...)<sup>۱</sup>

بر این اساس، این بخش از مطالب که تا پیش از این به‌عنوان بخشی از درس حقوق جزای عمومی قرار می‌گرفت و در دوره کارشناسی حقوق به‌عنوان یک درس اصلی ارائه می‌گردید، هم‌اکنون باید به‌عنوان یکی از درس‌های پایه و به‌صورت تک واحدی ارائه گردد. هر یک از نویسندگان کتابی را با شناسه: «(۱۳۹۵)»، حقوق کیفری عمومی ۱، چاپ نخست، تهران: براد حقوقی میزان» با هدف تهیه منبع برای درس حقوق جزای عمومی ۱ به ارزش سه واحد، به بازگویی در اختیار علاقه‌مندان قرار داده است و روگردانی از آن را روا نمی‌داند، ولی با توجه به آنچه اشاره شد برای پاسخ‌گویی به نیاز دانشگاه‌ها و دانشجویان چاره‌ای جز این نمی‌بیند که پژوهش پیشین خود را در این زمینه ناتمام گذاشته و طرحی نو در اندازد و مجموعه حقوق کیفری مورد نظر را در چهار بخش کلیات حقوق جزا و حقوق جزای عمومی ۱، ۲ و ۳ به جامعه دانشگاهی تقدیم نماید. روشن است که در انطباق مطالب کتاب یاد شده با سرفصل‌های جدید، کتاب پیش‌رو، به‌طور کامل بازنویسی و اصلاح شده است و بی‌گمان باید آن را نوشته‌ای نو و متفاوت به‌شمار آورد.

بر پایه سرفصل پیشنهادی درس «کلیات حقوق جزا» که در بالا آورده شد، مطالب

۱. برای نوجیه این درس چنین گفته شده: «با توجه به تخصصی شدن آموزش‌های حقوق جزایی در درس جزای عمومی و اختصاصی و آیین دادرسی کیفری و لزوم آشنایی کلی دانشجویان به عموم مسائل کیفری و ساختار کلی و تقسیمات عمده کیفری ایران قبل از آموزش‌های تخصصی جزایی، درس کلیات حقوق جزا، به عنوان مقدمه ورود به مباحث تخصصی جزایی در دوره کارشناسی ضرورت دارد. و هدف آن: «آشنایی دانشجویان با عمومات مسائل حقوق کیفری و ساختار و تقسیمات عمده کیفری ایران» است.

این درس باید برای پاسخ‌گویی به این پرسش‌ها تنظیم گردد: ۱- منظور از حقوق جزا چیست؟ و چه موضوع‌هایی در این بخش از حقوق بررسی می‌شوند؟ ۲- دولت در مبارزه با بزهکاری چه وظایف و اختیاراتی دارد؟ چگونه باید جرم‌انگاری و کیفرگذاری کند؟ و تاکنون چه تحولاتی در این زمینه به وجود آمده است؟ ۳- منابع حقوق جزای ایران کدامند؟ ۴- جایگاه حقوق جزایی در پیوند با دیگر رشته‌های حقوق، علوم جنایی و سایر علوم چیست؟ ۵- منظور از پدیده مجرمانه و واکنش اجتماعی علیه آن چیست؟ ۶- واکنش‌های اجتماعی تاکنون چه تحولاتی را پشت سر گذاشته‌اند؟ برای ترسیم خط سیر بحث، این پاسخ‌ها مناسب هستند: ۱- حقوق کیفری در معنای عام بخشی از دانش حقوق است که قواعد و مقررات ناظر بر جرم/بزه، مجرم/بزه‌کار، پاسخ‌ها/واکنش‌های کیفری و زیان دیده از جرم/بزه‌دیده را مورد مطالعه و بررسی قرار می‌دهد و بر این پایه، در حقوق کیفری از چهار موضوع گفتگو می‌شود: جرم/بزه، مجرم/بزه‌کار/پاسخ‌ها/واکنش‌های کیفری و زیان دیده از جرم/بزه‌دیده. ۲- از گذشته تلاش دولت و حکومت‌ها بر این بوده است که با وضع قواعد و مقررات کیفری، رسیدگی به جرائم و مجازات بر مجرمان را به‌طور مطلق و انحصاری در اختیار گیرند و به هیچ فرد یا دولت دیگری اجازه مداخله در چنین اموری را ندهند. این رویه برخاسته از این اندیشه است که مداخله افراد یا سایر دولت‌ها در این کارها با حاکمیت و اقتدار ملی ناسازگار است؛ به همین دلیل و اصل استقلال دولت و حکومت ایجاب می‌کند که حکومت در این زمینه از اختیارات بهره‌برخوردار باشد. در این راستا، دولت از جرم‌انگاری تا کیفردهی را حق انحصاری خود می‌داند و به دیگران اجازه مداخله در این حوزه را نمی‌دهد. دولت باید در چهار جنبه مبانی و اصول شناسایی شده حقوق کیفری، وظایف و اختیارات خود را برای کنترل و مهار بزهکاری اعمال و اجرا کند و از حقوق کیفری به‌گونه خردمندانه و کارآمد بهره‌گیرد. ۳- منابع حقوق کیفری، متن‌هایی هستند که قواعد و ضابطه‌های رفتاری در آن‌ها تعریف و تعیین شده است و شهروندان برای تشخیص رفتارهای مجاز و ممنوع می‌توانند به آن‌ها رجوع کنند و مراجع قضائی در مقام دادرسی و صدور حکم باید به آن‌ها استناد کار رسیدگی و دادرسی را انجام دهند. منابع حقوق کیفری را می‌توان بر پایه معیارهای قانون اساسی، به منابع رسمی (مستقیم/الزامی/اصلی) و منابع غیررسمی (غیرمستقیم/تکمیلی/فرعی)

تقسیم کرد. در حقوق کیفری، قانون منبع الزامی و رسمی محسوب شده و دیگر منابع را باید منابع تکمیلی و تفسیری به شمار آورد. ۴- حقوق کیفری به عنوان یک شاخه و گرایش علمی در میان شماری از دانش های بشری سربرآورده و بی گمان با همه دانش ها پیوند دارد؛ هم بر آن ها تأثیر می گذارد و هم از آن ها تأثیر می پذیرد. ۵- پدیده مجرمانه رفتاری است که بر خلاف معیارهای حقوق کیفری از اشخاص سر می زند و با منافع جمعی و در مواردی با منافع فردی ناسازگار است. به همین خاطر جامعه به عنوان زیان دیده اصلی در نتیجه ارتکاب جرم، آن را بر نمی تابد و به هر شکل ممکن در برابر آن واکنش نشان می دهد. واکنش جامعه و دولت به جرم، که می تواند سطوح و لایه های مختلف داشته باشد، در یک تعبیر کلی به عنوان «واکنش اجتماعی» به شمار می آید. اندیشمندان، راهکارها و رویه ها در زمینه واکنش اجتماعی در طول تاریخ فراز و نشیب زیادی را پشت سر گذاشته است؛ حقوق کیفری اندیشه هایی از انتقام و سزادهی تا جبرانی و ترمیمی را در کارنامه خود دارد. بر پایه این پرسش ها و پاسخ ها، مطالب مورد نظر در پنج فصل سامان داده شده است که در مقدمه به آن اشاره خواهد شد.

در اینجا لازم است از بزرگوارانی که در تهیه و چاپ این اثر همراهی و همکاری نموده اند، به ویژه دوست عزیز و سرپرست جناب آقای دکتر عباس شیری که بیش از همه در این راه پشتیبان بوده اند و همکار محترم ایشان جناب آقای حسین دودانگه که مقدمات چاپ را فراهم نموده اند، سپاسگزار باشم.

عبدالمصطفی منصورآبادی

زمستان ۱۳۹۵

## فهرست مطالب

|    |                                             |
|----|---------------------------------------------|
| ۵  | پیش‌گفتار.....                              |
| ۱۵ | مقدمه.....                                  |
| ۲۳ | فصل نخست: محتوا و موضوع حقوق جزا.....       |
| ۲۳ | گفتار نخست: تعریف و مفهوم حقوق جزا.....     |
| ۲۳ | بند نخست: تاریخ حقوق جزا.....               |
| ۲۵ | بند دو: موضوع حقوق جزا.....                 |
| ۳۲ | گفتار دو: شاخه‌های حقوق جزا.....            |
| ۳۲ | بند نخست: حقوق جزای ماهوی.....              |
| ۳۴ | بند دو: حقوق جزای شکلی.....                 |
| ۳۷ | خلاصه فصل نخست.....                         |
| ۴۰ | پرسش‌های فصل نخست.....                      |
| ۴۱ | فصل دو - دولت و بزهکاری.....                |
| ۴۳ | گفتار نخست: چرایی بزهکاری و جرم‌انگاری..... |
| ۴۴ | بند نخست: بزهکاری و چرایی آن.....           |
| ۵۱ | بند دو: مبانی جرم/ جرم‌انگاری.....          |
| ۵۴ | گفتار دو: مبانی و اصول کیفرگذاری.....       |
| ۵۴ | بند نخست: مبانی کیفرگذاری.....              |
| ۵۵ | نخست؛ توجیه مجازات.....                     |
| ۵۷ | دو؛ مبانی اختیار دولت.....                  |
| ۶۰ | بند دو: اصول کیفرگذاری.....                 |

|     |                                    |
|-----|------------------------------------|
| ۶۱  | نخست؛ اصل اباحه/ آزادی             |
| ۶۲  | الف: مفهوم                         |
| ۶۴  | ب: مبانی                           |
| ۶۵  | ج: پیامدها                         |
| ۶۸  | دو: اصل برابری                     |
| ۷۰  | الف: مفهوم و پیشینه                |
| ۷۲  | ب: مبانی                           |
| ۷۴  | ج: پیامدها                         |
| ۷۶  | ه: اصل تناسب                       |
| ۷۷  | الف: مفهوم و پیشینه                |
| ۷۹  | ب: مبانی                           |
| ۸۲  | ج: پیامدها                         |
| ۸۳  | خلاصه فصل دو                       |
| ۸۷  | پرسش‌های فصل دو                    |
| ۸۹  | فصل سه - منابع حقوق جزا            |
| ۸۹  | گفتار نخست: منابع رسمی             |
| ۹۱  | بند نخست: قانون کیفری              |
| ۹۵  | بند دو: آراء وحدت رویه قضائی       |
| ۹۷  | گفتار دو: منابع تکمیلی             |
| ۹۸  | بند نخست: منابع اسلامی             |
| ۱۰۲ | بند دو: رویه قضائی                 |
| ۱۰۳ | بند سوم: عرف                       |
| ۱۰۴ | گفتار سه: دکترین/ اندیشه‌های حقوقی |
| ۱۰۷ | خلاصه فصل سه                       |
| ۱۰۹ | پرسش‌های فصل سه                    |

|                                                      |     |
|------------------------------------------------------|-----|
| فصل چهار - جایگاه و پیوندهای حقوق جزا.....           | ۱۱۱ |
| گفتار نخست: جایگاه و اهمیت حقوق جزا.....             | ۱۱۱ |
| بند نخست: اهمیت تاریخی و اجتماعی.....                | ۱۱۲ |
| بند دو: اهمیت موضوعی.....                            | ۱۱۵ |
| بند سه: اهمیت کارکردی.....                           | ۱۱۶ |
| نخست: کارکرد اخلاقی (سزادهی / سزاگرایی).....         | ۱۱۸ |
| دو: کارکرد اجتماعی (برقراری نظم و امنیت).....        | ۱۱۹ |
| سه: کارکرد اقتصادی (فایده‌بخشی / سوددهی).....        | ۱۲۱ |
| گفتار دو: حقوق جزا، شاخه‌های حقوق و علوم جنایی.....  | ۱۲۳ |
| بند نخست: رابطه حقوق جزا و شاخه‌های حقوق.....        | ۱۲۳ |
| بند دو: پیوند حقوق جزا و علوم جنایی.....             | ۱۲۶ |
| گفتار سه: رابطه حقوق جزا و دیگر دانش‌ها.....         | ۱۲۹ |
| بند نخست: حقوق جزا و اسلاف و رران‌شناسی.....         | ۱۳۰ |
| بند دو: حقوق جزا، اقتصاد و جامعه‌شناسی.....          | ۱۳۲ |
| خلاصه فصل چهار.....                                  | ۱۳۵ |
| فصل پنج - پدیده مجرمانه و واکنش اجتماعی علیه آن..... | ۱۴۱ |
| گفتار نخست: مفهوم‌شناسی و گونه‌شناسی.....            | ۱۴۲ |
| بند نخست: مفهوم پدیده مجرمانه و واکنش اجتماعی.....   | ۱۴۲ |
| بند دو: گونه‌شناسی واکنش اجتماعی.....                | ۱۴۴ |
| نخست: مجازات‌های اصلی.....                           | ۱۴۵ |
| دو: مجازات‌های غیر اصلی.....                         | ۱۵۱ |
| گفتار دو: دگرگونی اندیشه‌های جزایی.....              | ۱۵۳ |
| بند نخست: پیشینه جهانی حقوق جزا.....                 | ۱۵۴ |
| نخست: پیدایش.....                                    | ۱۵۵ |
| دو: گسترش.....                                       | ۱۵۷ |
| سه: دگرگونی و جنبش.....                              | ۱۶۲ |

|                                       |     |
|---------------------------------------|-----|
| الف؛ مکتب عدالت مطلق.....             | ۱۶۳ |
| ب؛ مکتب (های) کلاسیک.....             | ۱۶۶ |
| ج؛ مکتب تحقیقی.....                   | ۱۷۰ |
| د؛ جنبش دفاع اجتماعی.....             | ۱۷۳ |
| ه؛ گرایش‌های نو.....                  | ۱۷۴ |
| و؛ عدالت ترمیمی.....                  | ۱۷۶ |
| ز؛ بزهکاری در دنیای کنونی.....        | ۱۷۹ |
| بند دو: پیشینه ایرانی حقوق کیفری..... | ۱۸۳ |
| تست: دوران باستانی.....               | ۱۸۳ |
| ز: دوره میانی.....                    | ۱۸۶ |
| سه: ده بن کنونی.....                  | ۱۸۸ |
| خلاصه فصل پنج.....                    | ۱۹۳ |
| پرسش‌های فصل پنج.....                 | ۲۰۲ |
| فهرست منابع و مآخذ.....               | ۲۰۵ |
| یکم؛ فارسی.....                       | ۲۰۵ |
| الف. کتاب‌ها.....                     | ۲۰۵ |
| ب. عربی.....                          | ۲۱۸ |
| دوم؛ مقاله‌ها.....                    | ۲۲۰ |
| سوم؛ رساله‌ها.....                    | ۲۲۴ |

## مقدمه

هاتفی از گوشه میخانه دوش  
گفت ببخشند گنه می بنوش  
لطف الهی بکنسد کار خویش  
مژده رحمت برسانسد سرش  
این خرد خام به میخانه بر  
تا می لعل آوردش خون به جوش  
لطف خدا بیشتر از جرم ماست  
نکته سر بسته چه دانی؟ خموش  
گر چه وصالش نه به کوشش دهند  
آن قدرای دل که توانی بکوش

### حافظ

۱. کیست که مدعی شود از جرم و گناه مصون است؟! کیست که نداند آلوده شدن انسان به گناه یکی از جنبه های زندگی او در سراسر تاریخ بوده است. ارتکاب جرم و گناه ویژه انسان و جامعه، پدیده ای است که همیشه انسان با آن سروکار داشته است. این پدیده همواره بخشی از فکر و اندیشه آدمی را به خود مشغول داشت و چاره جویی در خصوص آن مهم ترین دغدغه تاریخی وی بوده است. دانشمندان در عرصه های مختلف دانش های انسانی و اجتماعی، از فیلسوفان و متکلمان گرفته تا جامعه شناسان و جرم شناسان، پدیده جرم و گناه را از جنبه های گوناگون مطالعه و درباره آن اندیشه ورزی کرده اند. در این میان، حقوق دانان از منظر معیارها و هنجارهای حقوقی به

۱. به گفته خیام:

آن کس که گنه نکرد، چون زیست؟ بگو!  
پس فرق میان من و تو چیست؟ بگو!

ناکرده گنه در این جهان کیست؟ بگو!  
من بد کنم و تو بد مکافات دهی

این پدیده نگریسته‌اند و معیارهای حاکم و قابل اجرا در این زمینه را تحلیل و بررسی کرده‌اند.

۲. مطالعات حقوق‌دانان و سایر دانشمندان درباره جرم و مجازات زمینه پیدایش رشته‌ای از مطالعات پیوسته به یکدیگر را فراهم کرده است که از آن‌ها با نام «علوم کیفری/جنایی» یاد می‌شود. در حال حاضر، علوم کیفری مجموعه مطالعات پیوسته و درهم تنیده‌ای است که پژوهشگران در رشته‌های گوناگون را به هم نزدیک کرده است تا فراگیرتر، ژرف‌تر و واقع‌بینانه‌تر بزه و بزهکاری را در جامعه بررسی کنند. این رشته از مطالعات فلسفه کیفری، حقوق کیفری (عمومی، اختصاصی، بین‌المللی و آئین دادرسی)، جرم‌شناسی (و زیرشاخه‌های آن: جامعه‌شناسی کیفری، روان‌شناسی و روان‌پزشکی کیفری)، سیاست جنایی و کیفری، جرم‌یابی و پزشکی قانونی را دربر می‌گیرد.

۳. بدین ترتیب، «حقوق کیفری»<sup>۱</sup> از یک سو، از زیرشاخه‌های دانش‌های حقوق و از سوی دیگر، از زیرشاخه‌های علوم جنایی به‌شمار می‌آید. حقوق کیفری در موضوع با دیگر شاخه‌های علوم جنایی بیونود و در روش و هدف با دیگر شاخه‌های حقوقی در یک گروه قرار می‌گیرد. البته این بدان معنا نیست که موضوع‌های حقوق کیفری در سایر بخش‌های حقوق مطالعه نمی‌شوند و از این حیث هیچ پیوند و ارتباطی بین حقوق کیفری و سایر بخش‌های حقوق نیست بلکه در برخی از شاخه‌های حقوقی دیگر، همانند مسئولیت مدنی، بزه به‌صورت فرعی بررسی می‌شود. همین‌طور باید توجه داشت که سایر شاخه‌های علوم جنایی به‌صورت تبعی اهداف حقوق کیفری را دنبال می‌کنند. از نگاه روش‌شناختی، حقوق، نوعی دانش هنجاری و تفسیری است؛ یعنی در پی تعریف، تشخیص و بازشناسی کنش خاص انسانی و واکنش در برابر آن است که «جرم و مجازات» خوانده می‌شوند. به دیگر سخن، حقوق کیفری، به‌عنوان بخش ویژه‌ای از دانش حقوق و علوم جنایی، چشم‌انداز خود را به «بزهکاری» انسان و «واکنشی» که می‌توان در برابر آن نشان داد، معطوف می‌دارد.

۴. این دو پدیده انسانی و اجتماعی در حقوق کیفری از دو دیدگاه ماهوی و شکلی

۱. بیشتر نویسندگان به جای حقوق کیفری عنوان «حقوق جزا» را به کار می‌برند و در نتیجه این کاربرد، این شبهه پدید می‌آید که این بخش از حقوق به مجازات اختصاص دارد، ولی واژه «کیفری» یا «جزائی» مفهوم وصفی دارند و همه موضوع‌های این بخش از حقوق را در بر می‌گیرند.

مطالعه می‌شوند. مطالعه ماهوی در دو سطح صورت می‌پذیرد: نخست به صورت عمومی و کلی، و در سطح دوم به صورت اختصاصی و جزئی. به همین اعتبار، حقوق کیفری به سه بخش «حقوق کیفری عمومی»، «حقوق کیفری اختصاصی» و «آئین دادرسی کیفری» تقسیم می‌شود. افزون بر این، در دنیای امروز بخش دیگری به حقوق کیفری افزوده شده است که آن را «حقوق کیفری بین‌الملل» می‌خوانند. در حقوق کیفری عمومی، پدیده جرم (کنش جنایی)، مسئولیت کیفری و مجازات (واکنش جنایی) به صورت عام و کلی، یعنی بدون توجه به یک جرم خاص مطالعه می‌شود. در حقوق کیفری اختصاصی، هر یک از جرائم و مجازات آن‌ها به طور ویژه بررسی می‌شوند. در آئین دادرسی کیفری، از تشکیلات و تشریفات مربوط به تعقیب جرم و مجرم و تعیین و اجرای مجازات سخن گفته می‌شود. در حقوق کیفری بین‌الملل، هر یک از موضوع‌های یادشده در منظر بین‌المللی بررسی می‌شوند.

۵. آموزش پژوهش محور بستگی به منابع درسی موجود را برنمی‌تابد. برای روزآمد کردن آموزش باید به سرعت پررزش‌ها و مطالعات انجام یافته ادامه داد. با آنکه کتاب‌ها و مقاله‌های سودمندی در تمام زمینه‌های حقوقی، از جمله حقوق کیفری عمومی<sup>۱</sup>، منتشر شده، نیاز به تولید و نشر کتاب‌های جدید همچنان وجود دارد و نباید

۱. برای آشنایی با پیشینه پژوهش و نگارش در این زمینه، مهم‌ترین کتاب‌ها، انتشار یافته در زمینه حقوق کیفری عمومی را به ترتیب تاریخ انتشار در زیر می‌آوریم. به ظاهر نخستین کتاب که به شیوه امروزی در زمینه حقوق کیفری عمومی در کشور ما چاپ شده است، *تقریرات درس حقوق جزایی* دکتر آیت الله داور است که در حدود سال ۱۳۰۷ در زمانی که وی وزیر عدلیه (دادگستری) بوده، عرضه کرده و در میان سال‌ها قطع جیبی چاپ شده است. این کتاب در سال ۱۳۸۰ به همراه *تقریرات درس حقوق جزای عمومی* دکتر باه‌بی به همت رضا شکری و انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجد دوباره چاپ شده و در دسترس است.

از کتاب *حقوق جزا* نوشته حسن سمیعی، می‌توان به عنوان دومین کتاب حقوق کیفری عمومی<sup>۲</sup> یاد کرد. این کتاب را بار نخست دو ناشر به نام‌های «خودکار» و «ایران» در سال ۱۳۱۸ منتشر کردند و در سال‌های بعد چند نوبت تجدید چاپ شد و آخرین چاپی که از آن دیده شد، مربوط به سال ۱۳۳۶ است. این کتاب مشتمل بر یک دوره مختصر حقوق کیفری عمومی است و بر اساس مقررات قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ تدوین شده و تحولات بعدی را در بر ندارد.

سید علی حائری شاه‌باغ سومین نویسنده‌ای است که کتابی را با عنوان *شرح قانون مجازات عمومی* نوشته است. این کتاب نیز به ظاهر *تقریرات درس وی* است که به همت ایرج مرتجی تنظیم و گردآوری شده و در سال ۱۳۳۲ انتشارات نقش جهان منتشر کرده است. در این کتاب مواد ۱ تا ۲۴۳ قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ در ۱۳۶ صفحه شرح داده شده است و تا صفحه ۵۸ آن موضوع‌های حقوق کیفری عمومی است.

پس از این در سال ۱۳۴۰ *تقریرات درس حقوق جزا* عمومی اثر محمد باهری به همت عباس فرید گردآوری و تنظیم گردید و چاپخانه برادران علمی با موافقت صاحب اثر آن را منتشر کرد. این کتاب نسبت به کتاب‌های پیشین از حیث روش‌شناسی و دسته‌بندی مطالب و تجزیه و تحلیل موضوعات ارزش بیشتری دارد و شیوا و روان نوشته شده و همان‌طور که اشاره شده هم‌اکنون نیز در دسترس است.

به آنچه موجود است، پسندد کرد.

۶. حقوق کیفری، از یک سو، به عنوان بخش ویژه‌ای از ساختار و نهاد حقوق، فراز و نشیب فراوانی را در طول تاریخ پشت‌سر گذاشته است، و از سوی دیگر، به عنوان شاخه

→ علی صدارت نیز در سال ۱۳۴۰ کتابی با عنوان *حقوق جزا و جرم‌شناسی* چاپ کرده است. این کتاب با هدف آشنایی با حقوق جزا و جرم‌شناسی در پیوند با یکدیگر تدوین شده و انتشارات معرفت آن را منتشر کرده است. محمدعلی معتمد نیز در سال ۱۳۵۱ جلد اول کتاب *حقوق جزا عمومی* خود را، که مشتمل بر کلیات حقوق کیفری عمومی و پدیده مجرمانه است، در انتشارات دانشگاه تهران منتشر کرد. جلدهای بعدی این کتاب چاپ نشده است.

گام بعدی را در این زمینه پرویز صانعی برداشت. وی در سال ۱۳۵۲ یک دوره *حقوق جزا عمومی* در دو جلد نوشت که کلاس ارزنده در زمینه حقوق کیفری عمومی، به‌ویژه از نگاه تطبیقی، است. این کتاب یک بار در سال ۱۳۵۴ بر اساس قانون مجازات عمومی اصلاحی سال ۱۳۵۲ تجدید چاپ شد و در سال‌های اخیر با افزودن مختصر مطالعات راجع به تغییرات قوانین دوران بعد از انقلاب اسلامی به همت انتشارات گنج دانش دوباره منتشر شد. آخرین چاپ این کتاب توسط انتشارات طرح نو در دسترس می‌باشد.

مرتضی محسنی در سال ۱۳۵۴ جلد نخست *حقوق جزا عمومی* خود را تحت عنوان *دوره حقوق جزا عمومی* (کلیات حقوق جزا) نوشت که انتشارات دانشگاه ملی آن را منتشر کرد. وی قصد نگارش دوره پنج‌جلدی حقوق کیفری عمومی را داشت که سال ۱۳۵۵ موفق به این کار نشد. در این سال همان جلد نخست را انتشارات گنج دانش دوباره منتشر کرد و جلدهای دوم و سوم را نیز به ترتیب تحت عنوان *دوره حقوق جزا عمومی* (پدیده مجرمانه و مسئولیت کیفری) در سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۷۶ همان ناشر منتشر کرد. کتاب مزبور روان و با دقت نظر نوشته شده و می‌توان از آن به عنوان منبعی خوب مفید در زمینه حقوق کیفری عمومی بهره برد. آخرین چاپ در دسترس این دوره مربوط به سال ۱۳۹۱ است.

عبدالحسین علی‌آبادی یکی دیگر از نویسندگانی است که پیش از انقلاب اسلامی، یک دوره *حقوق کیفری عمومی* نگاشت. وی یک دوره *حقوق جنایی* در پنج جلد نوشت که جلد نخست آن در کلیات، جرم و مسئولیت کیفری است و نخستین بار در سال ۱۳۳۶ منتشر شد. این جلد در سال ۱۳۵۲ با توجه به اصلاح قانون مجازات عمومی و قانون تسریع دادرسی، بازنگری و برای بار پنجم منتشر شد. در جلد دوم مجازات بررسی شده و در سال ۱۳۵۳ برای بار نخست منتشر شده است. جلد سوم به بررسی جرم‌های عمومی اختصاص پیدا کرده و در سال ۱۳۵۴ منتشر شده است. جلدهای چهارم و پنجم نیز در سال ۱۳۶۱ در باب آئین دادرسی کیفری نوشته شده است.

در دوران بعد از انقلاب اسلامی، برای نخستین بار ایرج گلدوزیان در سال ۱۳۶۴ یک دوره *حقوق جزا عمومی* در دو جلد نوشت که انتشارات دانشگاه تهران آن را منتشر کرد. وی در ادامه، این مجموعه دوجلدی را در یک جلد تحت عنوان *بایسته‌های حقوق جزا عمومی* به همت بنیاد حقوقی میزان منتشر کرد. رضا نوربها نیز کتابی با عنوان *زمینه حقوق جزا عمومی* نوشت که به چاپ سی و چهارم رسید؛ این چاپ را انتشارات گنج دانش و نشر دادآفرین در سال ۱۳۹۱ منتشر کرده است.

محمدعلی اردبیلی یک دوره دوجلدی *حقوق جزا عمومی* نوشته است که جلد نخست آن را انتشارات میزان برای بیست و نهمین بار منتشر کرده است و جلد دوم را نیز همان ناشر با چاپ بیست و هفتم در سال ۱۳۹۱ منتشر کرد. به‌تازگی (در سال ۱۳۹۳) این دوره در سه جلد بر اساس ق.م.ا. ۱۳۹۲ به چاپ رسیده است.

این سه دوره کتاب در سال‌های گذشته به عنوان متون درسی دانشگاهی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده‌اند. جلال‌الدین قیاسی و همکاران نیز با انگیزه بهره‌گیری از ظرفیت فقه و حقوق اسلامی در مقام نگارش یک دوره *حقوق کیفری عمومی* برآمده‌اند که دو جلد از آن را با عنوان *مطالعه تطبیقی حقوق جزا عمومی* (اسلام و حقوق موضوعه) منتشر کرده‌اند. در سال ۱۳۸۵ جلد نخست این کتاب را پژوهشگاه حوزه و دانشگاه با عنوان *کلیات در قم* منتشر کرد و جلد دوم را نیز همان ناشر با عنوان *ارکان جرم* در سال ۱۳۸۸ برای بار نخست منتشر کرد. افزون بر این‌ها، کتاب‌ها و مقاله‌های فراوان دیگری در این سال‌ها چاپ شده‌اند که در نگارش این نوشتار استفاده می‌شود و در فهرست منابع درج خواهد شد.

مهمی از دانش حقوق و علوم جنایی، نقش آفرینی و رسالت سترگی در جامعه انسانی بر عهده دارد. حقوق کیفری، در مفهوم امروزش، ابزاری برای مجازات نکردن است و کارکردی انسانی دارد و بیش از پیش در مقام حمایت از بی گناهان است تا سزادادن گنهکاران.<sup>۱</sup> اگرچه مجازات کردن بزهکاران، ضرورتی اجتناب ناپذیر و حمایتی

۱. امروزه به درستی می توان حقوق کیفری را «هنر مجازات نکردن» یا «هنر درست مجازات کردن» دانست. اینکه ما حقوق کیفری را به گونه ای طراحی و اجراء کنیم که در عمل کمتر به مجازات روی آوریم و به درستی و در جایگاه ضروری از این حربه بهره جوییم، برترین و والاترین هنر است. «هنر مجازات نکردن» خواندن حقوق کیفری، با توجه به معنایی که برای واژه «هنر» در ادبیات ما و جهان وجود دارد، نگرش انسانی ما به حقوق کیفری را آشکار می کند. مترجم کتاب شهریار، نوشته نیکولو ماکیاولی، در پیشگفتاری راجع به واژه «ویرتو» در این کتاب به ما دارای معانی متعددی است و هم در این کتاب و دیگر نوشته های ماکیاولی فراوان به کار رفته - در نهایت - «هنر» را مناسب دانسته است. وی در توصیف هنر، به ویژه با توجه به کاربرد آن در شاهنامه فردوسی، چنین آورده است: «هنر از اریشه اوستایی hunara به معنای عظمت، استعداد، و قابلیت است. در زبان پهلوی hunar به معنای فضل (virtue)، توانایی (ability)، و مهارت (skill) است. فریثس ولف، مؤلف وازگان نامه شاهنامه فردوسی در باب واژه «هنر» در شاهنامه این معنا را به آلمانی آورده است: Tüchtigkeit (توانایی، کارآمدی، کاردانی، برتری)، Vortrefflichkeit (برتری، بلندپایگی)، Geschicklichkeit (مهارت، چالاکی، زیرکی، توانایی)، Kunst (هنر، کار، زیرکی)، Tugend (فضیلت)، که همگی معنایی است درخور virtu. در لغت نامه دهخدا این معنا به شرح ذیل آمده است: «علم و معرفت و دانش و فضل و فضیلت و کمال؛ کیاست، فراست، زیرکی، همچنین «ایمان»، کیاست، توانایی فوق العاده جسمی یا روحی. این واژه و همچنین صفت «هنرمند»، به ویژه در شاهنامه برای پهلوانان و گدایان و شاهان بسیار به کار رفته و در آنجا به هنرهای جنگاوری و کشورگیری و کشورداری و دلخواهی و...» انکی اشارت دارد. در ادامه، مترجم نمونه هایی از ابیات شاهنامه را یادآوری کرده است که ما از آوردن آن خودداری می کنیم و به بیان یک نمونه برای بهره جستن در بحث حاضر بسنده می کنیم.

|                            |                               |
|----------------------------|-------------------------------|
| هنرها که بنمسودمان شهریار  | از ادا داشت باید به دل یادگار |
| هنر جوی و با مرد دانا نشین | چو خواهی که از بخت آفرین      |
| هنر خود دلبری ست بر جایگاه | که بداند بیانش سزاوار گاه     |
| هنر کن به پیش سواران پدید  | بدان تا نگویند که سبزه زید    |
| نخست آفرین کرد بر دادگسر   | کزوی است بیرون رفتن ز سر      |

در این تعبیر که ما حقوق کیفری را هنر مجازات نکردن یا هنر درست مجازات کردن می دانیم، می توان همه یا بیشتر این معانی را لحاظ کرد. حقوق کیفری هم باید بر پایه شناخت و معرفت استوار باشد و هم در به کارگیری آن باید با درایت و زیرکی و خیرگی و مهارت اقدام کرد؛ هم به فضیلت و برتری آن باید توجه داشت و هم برای وضع و اجرای آن از افراد شایسته و لایق و باکفایت و توانمند و در یک کلمه «هنرمند» بهره جست. اینجا میدانی است که باید هنرمندان و افراد شایسته به آن وارد شوند و این کار از عهده هر کسی برنمی آید. چنان که می دانیم حقوق کیفری مهم ترین ابزار اعمال قدرت است و گفته های فردوسی در این باب بهترین الگو برای شهریاران و همه کسانی است که با این ابزار سروکار دارند: چه قانون گذار و چه قاضی و چه حقوق دان و چه وکیل.

تأکید بر این نکته لازم است که در عمل ممکن است کسانی تحت تعقیب کیفری قرار گیرند ولی در واقع جرمی انجام نداده باشند. اینجا است که اهمیت این مطلب آشکار می شود که حقوق کیفری هنر مجازات نکردن است؛ مجازات نکردن، بی گناهی که به اشتباه یا در اثر عوامل دیگر تحت تعقیب کیفری قرار گرفته باشند. در سوی دیگر نیز ممکن است مرتکبان واقعی از دسترس دور مانده باشند. هنر درست مجازات کردن در این است که این افراد شناسایی، تعقیب و مجازات شوند.

در اینجا اشاره به این مطلب نیز سودمند است که این اندیشه در ادبیات و آموزه های دینی ما برگرفته از این گفته پیامبر (ص) است که فرمود: «ادْرُتُوا الْحُدُودَ بِالْثَّهَاتِ مَا اسْتَطَعْتُمْ، فَإِنْ وَجَدْتُمْ مُسْلِمًا مَعْزُجًا فَخَلُّوا سَبِيلَهُ، -

غیرمستقیم از بی گناهان است، اما مجازات کردن باید بر پایه اصول و قواعدی انجام پذیرد که ما را از اهداف انسانی و اجتماعی باز ندارد. ما در عرصه حقوق کیفری نیازمند معیارهایی هستیم که نه بیش از آنچه ضروری و بایسته است مجازات کنیم، نه کمتر از آنچه سزاوار و شایسته است. در گذشته این معنا کمتر محل توجه بوده و همین امر، حقوق کیفری را بی مبنا و ابزاری برای ستمگری، زورگویی و اعمال قدرت نامشروع درآورده بود.<sup>۱</sup> در بیشتر برهه‌های تاریخ، تعیین و تعریف جرم، مسئولیت کیفری و واکنش‌های کیفری توجیه انسانی و عقلانی نداشت و دست‌اندرکاران امور

→ فان الله تعالى الامام ان يخطئ في العفو خير من ان يخطئ في العقوبة؛ یعنی با هر شبهه‌ای از مجازات دست بردارید به دستاویزی اشخاص را از مجازات برهانید. زیرا خطای در عفو بهتر از خطای در مجازات کردن است. بدین است برای خطای در مجازات، هیچ راه جبرانی وجود ندارد. این حدیث هم در منابع روایی اهل سنت و هم در کتاب‌های حدیث امامیه با تفاوت‌هایی گزارش شده است. نک: رضا استادی، (۱۳۸۲)، «فلمرو قاعده دره، مجله مصلحان»، اهل بیت فارسی، ش ۳۴، صص ۷۱-۷۶.

۱. حقوق کیفری به ندرت بتواند پدیده قدرت در جامعه دارد و مهم‌ترین ابزار اعمال قدرت به‌شمار می‌آید و نگرانی سوءاستفاده از آن در برابر هم‌نوعی انسان‌دوستان بوده است؛ چه آنکه مجازات و حقوق کیفری سلاهی در دست دولت در برابر افراد بر سلاهی است. باور دانشمندان سیاسی: «به‌طور کلی، زندگی سیاسی در فضایی سرشار از اجبار می‌گذرد. بدون اجبار، نه تعادل و نه کار ویژه زور عمومی است، نه نظم می‌تواند وجود داشته باشد و نه دولت. از آنجا که همه دولت‌ها به این سبب که به پیش‌فرض فرمان‌دهی و فرمان‌برداری استوارند در واقع نوعی اجبار به‌شمار می‌روند، ناگزیر زور وسیع اساس امر سیاسی است و از گوهر آن برمی‌آید. روشن است که بدون اجبار و امکان مجازات کسانی که برخلاف دستورهای قانون رفتار می‌کنند، نظم نمی‌تواند مدتی طولانی بپاید. اجبار همانا فشاری است که مقامات رسمی جامعه یا گروهی معین به اعضای خود وارد می‌آورند تا آن‌ها را به رعایت نظم و احترام به قانون‌ها و قراردادهای رایج وادارند و اصلاً افراد سرکش را تنبیه کنند. از این‌رو، اجبار مستلزم تبعیت فعل و میل فردی از نظم‌ی فراگیر است؛ یعنی افراد باید دارای تابه شیوه‌ای رفتار را در راستای مصلحت هر کس و همگان در پیش گیرند، درست به این دلیل که افراد جامعه با هم می‌زنند. باری، همان‌گونه که ماکس وبر تأکید کرده است، اجبار شکل‌های گوناگونی به خود می‌گیرد، از ترغیب برادرانه معمول در باهمستان‌های دینی تا مجازات بدنی که شکل افراطی آن مجازات اعدام است. ولین فروند، (۱۳۸۴)، «سیاست چیست؟ ترجمه عبدالوهاب احمدی، چاپ یکم، تهران: انتشارات آگه، ص ۱۵۰». پس از آن. میشل فوکو در کتاب مراقبت و تنبیه یا ترسیم شیوه مجازات در گذشته و امروز، در ضمن یک تحول فلسفه و شیوه مجازات در دو قرن گذشته، در پی نشان دادن تفاوت جهان‌بینی حاکم در این دو دوران و پیوند مجازات و تنبیه با پدیده قدرت در همیشه تاریخ است. وی در این کتاب کوشیده است نشان دهد که چگونه از اواخر قرن هجدهم به تدریج زندان در جامعه غربی جای شکنجه بدنی را گرفت. بر اساس تحلیل فوکو این تحول بیانگر آن است که انسان‌باوری جدید به‌طور مستقیم در خدمت شگردهای جدید سلطه (قدرت) است. مجازات‌های سخت و شکنجه‌های حکومت‌های استبدادی، بیانگر خشونت و قدرت مطلقه دولت‌های اروپایی پیش از انقلاب‌های دموکراتیک بود. این گونه مجازات‌ها از اواخر قرن هجدهم به تدریج جایش را به سلب آزادی از محکوم و زندانی کردن او داد. به گمان وی، فلسفه مجازات جدید، در پشت ظاهر انسانی‌اش، بیانگر نیاز به نظارت است. زندان وسیله‌ای برای دگرگون کردن محکوم است؛ زندان محکوم را به فردی مطیع و آماده برای کار مرتب در جامعه تبدیل می‌کند. این گونه است که در دنیای جدید، قدرت به شکلی نو و متفاوت با گذشته چهره می‌نماید و از ابزار زندان، به عنوان اصلی‌ترین مجازات، با ظاهری عقلانی و پیشرفته بهره می‌جوید؛ شاهرخ حقیقی، (۱۳۹۱)، «گفتمان از مدرنیته: نیچه، فوکو، لیونار، دریدا، چاپ پنجم، تهران: نشر آگه، ص ۱۹۱ و پس از آن؛ نیز نک: میشل فوکو، (۱۳۸۴)، «مراقبت و تنبیه؛ تولد زندان»، ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهان‌دیده، چاپ پنجم، تهران: نشر نی.

کیفری، به رأی و صلاح دید خویش از این ابزار مهم استفاده می‌کردند. اما اکنون حقوق کیفری چهره‌ای علمی و حتی تجربی پیدا کرده و دگرگونی چشم‌گیری را پشت سر گذاشته و آینده روشنی را پیش‌رو دارد. حقوق کیفری امروزی، بیش از آنکه به دنبال کیفر دادن و سرکوب باشد، در پی دست‌یابی به سعادت، آرامش و زندگی بهتر برای تمامی افراد اجتماع از طریق مهار جرائم است. حقوق کیفری با احترام به حیثیت بشر و کرامت انسانی در پی بازگرداندن مجرمان و منحرفان به جامعه و برقراری نظم است. از این‌رو، به منظور پی‌بردن به محتوای این بخش از حقوق و در تکمیل و توسعه پژوهش‌ها، حقوقی باید با ملاحظات انسانی و علمی آن را بررسی کرد.

۷. ما در حقوق کیفری از دیدگاه سنتی به‌طور عمده با سه موضوع سروکار داریم: پدیده مجرمانه، مسئولیت کیفری و واکنش کیفری.<sup>۱</sup> در این باره مفهوم و ماهیت جرم، اجزا و عوامل مؤثر، تعریف جرم، طبقه‌بندی جرائم، مفهوم و شرایط مسئولیت کیفری، مجازات و واکنش کیفری، اقسام و طبقه‌بندی واکنش‌ها، عوامل مؤثر در تعیین و اعمال واکنش‌ها موضوع‌های فرعی است که در دل موضوع‌های اصلی یادشده مطالعه و بررسی می‌شوند. علاوه بر این، طرح و بررسی موضوع‌هایی همانند تعریف و شاخه‌های حقوق کیفری، موقعیت و پیشینه تاریخی حقوق کیفری، منابع و مبانی و موضوع‌هایی از این دست نیز به‌عنوان پیش‌درآمد ضرورت دارد. ♦

۸. برای این منظور در عرصه حقوق کیفری عمومی باید به پرسش اصلی روبه‌رو هستیم: ۱. جرم چیست؟ ۲. منظور از مسئولیت کیفری چیست؟ ۳. واکنش کیفری چیست؟ پرسش‌های دیگری نیز در خصوص مفهوم، پیشینه، مبانی اصول و ... قابل طرح است که در این پژوهش، فرعی به‌شمار می‌آیند و در بخش‌های بعدی بررسی می‌شوند.

۹. با توجه به پرسش‌های اصلی یادشده، فرضیه‌های زیر را مطرح می‌کنیم: ۱. از دیدگاه حقوق کیفری امروزی، جرم رفتار ارادی ممنوع قابل مجازات است که برای پیدایش آن ارکان سه‌گانه قانونی، مادی و معنوی لازم است و آن را از سایر رفتارهای

۱. نگرش‌های نوین، علوم کیفری و جنایی را از این صورت سه‌ضلعی خارج کرده و آن را به شکل مربعی چهارضلعی درآورده است. ضلع چهارم این مجموعه را «بزه‌دیده تشکیل می‌دهد و مطالعات بزه‌دیده‌شناسی، دگرگونی‌هایی را در علوم جنایی و حقوق کیفری باعث شده که در خور بررسی ویژه است و در جای خود به آن اشاره خواهیم کرد.

ممنوع جدا می‌کند؛ ۲. منظور از مسئولیت کیفری، اهلیت و قابلیت شخص برای تحمل و پذیرش آثار و پیامدهای رفتار مجرمانه است؛ یعنی اینکه انسان باید دارای شرایط و خصوصیتی باشد که بتوان او را از جهت فعل یا ترک فعل مجرمانه‌اش، بازخواست و مؤاخذه کرد و نتیجه رفتار مجرمانه را، که همان واکنش کیفری و مجازات است، بر او تحمیل کرد؛ ۳. واکنش کیفری/ جنایی، واکنشی رسمی است که پس از اثبات تقصیر و بزهکاری متهم در فرآیندی قضائی بر وی اعمال می‌شود.

۱۰. بنا بر آنچه گفته شد، بر پایه برنامه آموزشی جدید، موضوع‌های یاد شده، به ترتیب در درس‌های حقوق جزای عمومی ۱، ۲ و ۳ بررسی می‌شوند.<sup>۱</sup> ولی پیش از آن، آشنایی با اره‌ای موضوع‌های مقدماتی، برای درک هر چه بهتر حقوق جزا ضرورت دارد. به آن‌ها را؛ بر عنوان «کلیات حقوق جزا» بررسی می‌کنیم.<sup>۲</sup> بنابراین، کتاب حاضر به کلیات حقوق جزا اختصاص دارد که در پنج فصل تنظیم گردیده است: محتوا و موضوع حقوق جزا، اصل نخست، دولت و بزهکاری (فصل دو)، منابع حقوق جزا (فصل سه)، جایگاه ریونی حقوق جزا (فصل چهار) و پدیده مجرمانه و واکنش اجتماعی (فصل پنج).

۱. در کتاب‌های بعد، به ترتیب درباره «جرم و ارکان و طبقه بندی آن»، «مجرم و مسئولیت کیفری» و «پاسخ و واکنش کیفری» بحث خواهد شد.

۲. از دیدگاه روش‌شناسی، مجموعه گفتارهای قابل طرح در هر علم یا در خصوص هر موضوع علمی به دو دسته بخش‌پذیر است: دسته‌ای از این گفتارها جنبه مقدماتی دارد و دسته دیگر، مباحث اصلی را تشکیل می‌دهد. مباحث اصلی مسائل و مطالبی است که راجع به یک یا چند موضوع مطرح می‌شود و هدف غایی و نهایی مطالعه علمی به‌شمار می‌آید. به‌طور معمول، مباحث مقدماتی برای معرفی علم یا موضوع علمی و روش‌شناسی مربوط به آن مطرح می‌شود. در این بخش مسائل و موضوع‌هایی همچون تعریف، تقسیم، پیشینه تاریخی، جایگاه، اهداف، و روش، مطالعه و بررسی می‌شود. در پژوهش‌کنونی نیز لازم است موضوع‌های یادشده، پیش از ورود به مباحث اصلی، بررسی شود. در توجیه این درس آمده است: توجیه درس: «با توجه به تخصصی شدن آموزش‌های حقوق جزایی در دروس جزای عمومی و اختصاصی و آیین دادرسی کیفری و لزوم آشنایی کلی دانشجویان به عموم مسائل کیفری و ساختار کلی و تقسیمات عمده کیفری ایران قبل از آموزش‌های تخصصی جزایی، درس کلیات حقوق جزا، به عنوان مقدمه ورود به مباحث تخصصی جزایی در دوره کارشناسی ضرورت دارد».